

Research Paper

DOI: 10.22034/JRAL.2023.420223.1035

Critique of Rezaei's translation of Sahifa based on the theory of Vienna and Darblin

Sareh amirjan¹, Aliakbar noresideh²

(Received:10.10.2023 , Accepted:29.11.2023)

Abstract

The position of Sahifa Sajjadih translates it. So that sixty translations and descriptions of Persian language have been provided. Mohammad Mehdi Rezaei is one of the translators of Sahifa Sajjadih. Their translation is one of the newest translations of Sahifa Sajjadih on which research has been done. In the present study, using a descriptive analytical method and in order to provide a fair critique, the translation of Sahifa Sajjadih by Mohammad Mehdi Rezaei based on the theory of Vienna and Darblin has been reviewed. This theory, which has seven strategies for recognizing and examining a translation at the level of equivalence, is a useful theory and by translating different principles and components in the two main approaches, namely direct and indirect approach, it deals with the translator translation method. The findings of this study showed that Rezaei may have borrowed, borrowed, borrowed, perhaps because he wanted to provide both literary translations with specific words and interpretations of Persian culture, and because in this translation he sought to approximate cultural equations. Has used less combination and displacement of words, in contrast, has used the component of equivalence and adaptation more. In general, the melodicy of sentences and the use of Persian equations and sentences appropriate to Iranian culture is an important feature of Rezaei's translation of Sahifa Sajjadih.

Keywords:Sahifa Sajjadih, Criticism of translation, Rezaei, Vienna and Darblin, equivalence finding.

¹. Master's student in the field of Arabic language translation, Faculty of Humanities, Semnan University, Semnan-Iran: Email: a.n.ashofte59@gmail.com.

² . Assistant Professor of Arabic Language and Literature, Faculty of Humanities, Semnan University, Semnan-Iran: Email: noresideh@semnan.ac.ir.



نقد ترجمه رضایی از صحیفه سجادیه بر اساس نظریه وینه و داربلینه

ساره امیرجان^۱، علی اکبر نورسیده^۲

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۱۸، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۰۸)

چکیده:

جایگاه صحیفه سجادیه موجب شده بسیاری از مترجمان آن را ترجمه کنند؛ به طوری که تاکنون شصت ترجمه و شرح به زبان فارسی از آن ارائه شده است. از جمله مترجمان صحیفه سجادیه، محمدمهدی رضایی است. ترجمه ایشان یکی از جدیدترین ترجمه‌های صحیفه سجادیه است که تاکنون پژوهشی بر روی آن صورت نگرفته است. در پژوهش حاضر با استفاده از روش تحلیلی توصیفی و به منظور ارائه نقدی منصفانه، ترجمه صحیفه سجادیه از محمدمهدی رضایی بر اساس نظریه وینه و داربلینه مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. این نظریه که دارای هفت راهکار است برای شناخت و بررسی یک ترجمه در سطح معادل‌یابی، نظریه‌ای مفید بوده و با برشمردن اصول و مؤلفه‌های مختلف در دو رویکرد اصلی یعنی رویکرد مستقیم و غیرمستقیم، به شیوه ترجمه مترجم می‌پردازد. یافته‌های این پژوهش نشان داد که رضایی شاید به این دلیل که خواسته هم ترجمه‌ای ادبی و با واژگان و تعابیر ویژه فرهنگ فارسی ارائه دهد و هم این که در این ترجمه به دنبال نزدیک کردن معادلات فرهنگی بوده است، از قرض‌گیری، گرته-برداری، تلفیق و جابه‌جایی واژه‌ها کمتر استفاده کرده، در مقابل، از مؤلفه معادل‌یابی و اقتباس بیشتر بهره برده است. در مجموع، آهنگین بودن جملات و استفاده از معادل‌های فارسی و جملات مناسب با فرهنگ ایرانی، ویژگی مهم ترجمه رضایی از صحیفه سجادیه است.

کلید واژه‌ها: صحیفه سجادیه، ترجمه، رضایی، وینه و داربلینه، معادل‌یابی.

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد رشته مترجمی زبان عربی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه سمنان، سمنان- ایران: ایمیل:

a.n.ashofte59@gmail.com

^۲ استادیار زبان و ادبیات عربی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه سمنان، سمنان- ایران: ایمیل: noresideh@semnan.ac.ir



۱. مقدمه

اهمیت ترجمه در نیاز طبیعی بشر برای ارتباطات زبانی بین اندیشه‌هاست که از ضروری‌ترین فعالیت‌ها چه در دوران معاصر و چه در گذشته‌های دور بوده است. از جمله کهن‌ترین حوزه‌های فعالیت ترجمه در ایران، ترجمه متون دینی از عربی به فارسی است. صحیفه سجادیه، مجموعه‌ای از دعا‌های امام سجاده (ع) است که بعد از قرآن کریم و نهج‌البلاغه حاوی والاترین معارف الهی است. محتوای این کتاب شامل، مسائل عقیدتی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و پاره‌ای از قوانین طبیعی و احکام شرعی است که در قالب دعا مطرح شده است. اهمیت و ویژگی‌های صحیفه سجادیه موجب شده بسیاری از علمای بزرگ بر آن شرح بنویسند و بسیاری از مترجمان آن را ترجمه کنند. این کثرت شارحان و مترجمان، نشان‌گر اهمیت کتاب نزد بزرگان و اندیشمندان اسلامی است. در زمینه ترجمه، تاکنون ترجمه‌های متعددی از صحیفه سجادیه به زبان‌های مختلفی نوشته شده است که از آن میان می‌توان به شصت ترجمه و شرح به زبان فارسی اشاره کرد. یکی از مترجمان صحیفه سجادیه، محمدمهدی رضایی است. از خصوصیات ترجمه ایشان، زیبایی‌های خاص در عبارت‌پردازی و ساختار جمله‌هاست. می‌توان گفت این ترجمه، به فارسی روان است و کمتر از وام‌گیری واژه‌ها استفاده کرده است اگرچه نمی‌توان فارسی را از عربی جدا کرد، اما مترجم سعی کرده است دو زبان را کمتر مخلوط کند. ویژگی دوم ترجمه رضایی، آهنگین بودن آن است. رضایی سعی کرده آهنگین بودن و سجع خود دعا را به فارسی منتقل کند؛ تا هم آهنگ دلنشین جملات دعا حفظ شود و هم این که اگر در متن عربی سجعی وجود دارد، آن سجع را در فارسی بیاورد؛ البته به شرطی که در جمله بنشیند. از مهم‌ترین نظریه‌های معادل‌یابی، نظریه وینه و دارلینه است. دو راهبرد کلی ترجمه که وینه و دارلینه تشخیص داده‌اند، عبارتند از «ترجمه صریح یا مستقیم» و «ترجمه ضمنی یا غیرمستقیم» که شبیه تقسیم‌بندی ترجمه «تحت‌اللفظی در برابر آزاد» است. دو راهبرد مذکور شامل هفت روال است که شامل «ترجمه صریح» (قرض‌گیری، گرته- برداری و ترجمه تحت‌اللفظی) و ترجمه ضمنی (جابجایی، تلفیق، معادل‌یابی و اقتباس) می‌باشد.

وینه و دارلینه فهرستی پنج مرحله‌ای به مترجم ارائه می‌کنند تا از متن مبدأ به متن مقصد حرکت کند. این پنج مرحله عبارتند از: شناخت واحدهای ترجمه، بررسی متن زبان مبدأ و ارزیابی محتوای توصیفی، عاطفی، و فکری واحدهای یاد شده، بازسازی بافت فرازبانی پیام، ارزیابی تأثیرات نحو و تولید و اصلاح متن مقصد. این دو چهار مرحله اول را در تحلیل ترجمه‌ها دنبال نمودند. آنها تک لغات را به عنوان واحد ترجمه نمی‌پذیرند. بلکه واحد ترجمه را ترکیبی از «واحد واژگانی» و «واحد تفکر» می‌دانند و برای آسان کردن تحلیل که در آن از ترجمه ضمنی استفاده شده است. وینه و دارلینه واحدهای ترجمه را هم در متن مبدأ و

هم در متن مقصد پیشنهاد کرده‌اند، سپس با هم مقایسه نمودند تا مشخص شود کدام روش ترجمه انتخاب شده است (بیکر و همکار، ۱۳۹۶: ۸۷).

۱.۱. اهمیت و ضرورت

انتقال دقیق مفاهیم، حفظ ظرافت‌های زبان مبدأ، حفظ پیوستگی و یکدستی متن و عوامل دیگر از نکاتی است که در ترجمه کتاب تخصصی باید به آن‌ها توجه شود. در این میان، ترجمه کتاب‌های دینی از اهمیتی مضاعف برخوردار است. با توجه به این که تاکنون شصت ترجمه از صحیفه سجادیه ارائه شده است، ارزیابی ترجمه محمدمهدی رضایی از صحیفه سجادیه و بر اساس نظریه وینه و داربلینه به مترجمان کمک خواهد کرد تا کار خود را بهبود بخشند و نظریه آن‌ها را با آگاهی در ترجمه خود به کارگیرند و به مقدار و کیفیت و بسامد تکنیک‌های مختلف آن توجه نمایند.

۱.۲. پرسش‌های پژوهش

- ۱- ترجمه رضایی بر اساس نظریه وینه و داربلینه چگونه ارزیابی می‌شود؟
- ۲- کدام یک از راه‌کارهای هفت‌گانه در این ترجمه بسامد بیشتری دارد؟
- ۱- بر اساس نظریه وینه و داربلینه، رضایی توانسته تأثیر موردنظر نویسنده اصلی در متن مبدأ را در مخاطب زبان مقصد اعمال کند.
- ۲- در ترجمه رضایی، از بین تکنیک‌های مستقیم روش تحت‌اللفظی و از بین تکنیک‌های غیرمستقیم روش معادل‌یابی بسامد بیشتری دارد.

۱.۳. پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهشی که به نقد ترجمه رضایی از صحیفه سجادیه بر اساس الگوی وینه و داربلینه باشد پرداخته است اما از جمله پژوهش‌هایی که به بررسی ترجمه‌های فارسی صحیفه سجادیه و نیز پژوهش‌هایی که به نقد ترجمه با استفاد از الگوی وینه و داربلینه پرداخته‌اند می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- پایان‌نامه «نقد و بررسی تطبیقی صحیفه سجادیه (ابوالحسن شعرانی و موسوی گرمارودی)»، لیلا خالدی (۱۳۹۶). بررسی سطوح تطبیقی در این پژوهش براساس چهارمحور بنیادی است: ۱- معادل‌یابی دستوری ۲- معادل‌یابی واژگانی ۳- معادل‌یابی بلاغی ۴- معادل‌یابی حروفی. این چهار محور در دو ترجمه‌ی شعرانی و گرمارودی مورد بررسی قرار گرفته و شامل چهار فصل است: با توجه به محاسن و معایب موجود در دو ترجمه می‌توان چنین برداشت کرد که هر یک از آنها در شیوه و سبک خود از بهترین نمونه‌های همان سبک به شمار می‌آیند.

بخشیده‌ای پس در زمره کسانی قرارمان ده که آن را چنان که شایسته است پاس می‌دارند و با اعتقاد به تسلیم‌شدن در برابر آیات محکمش تو را بندگی می‌کنند و به (دامن) اعتراف به آیات متشابه و دلایل آشکارش پناه می‌جویند» (رضایی، ۱۳۹۴: ۲۶۹، ۴/۴۲).

بنابراین به جهت اینکه معادل واضح و مشخصی از واژه‌های محکم و متشابه در زبان فارسی وجود ندارد، مترجم ناگزیر از قرض‌گیری شده است. به عبارت دیگر ورود این واژه‌ها از زبان عربی به زبان فارسی به این دلیل است که واژه‌ای با آن مفهوم در زبان مقصد وجود ندارد و یا معادل گویایی برای ترجمه آن ساخته نشده است.

انتظار نمی‌رود در معادل‌یابی در سطح اشتراک که عناصر بیانی زبان مبدأ با عناصر مشابه در زبان مقصد جایگزین می‌شوند؛ شمار کلمات و شکل بیان در دو زبان مثل هم باشد. همواره و در زمان‌های مختلف برای زبان‌های بشری چنین امری صورت گرفته است و تأثیرگذاری فرهنگ‌های مختلف جوامع انسانی بر هم‌دیگر ورود واژه‌های قرضی بیگانه را به این زبان‌ها موجب گردیده است (مدرسی، ۱۳۶۸: ۶۴-۶۵).

به طور کلی کلماتی که رضایی در ترجمه خود قرض‌گیری کرده است، واژگان اشتراکی را شامل می‌شود. در متن ترجمه ایشان واژگان غیراشتراکی که قرض‌گیری شده باشد به چشم نمی‌خورد، به عبارت دیگر مترجم کلماتی از زبان مبدأ که در زبان مقصد کاربرد ندارد یا کاربرد کمی دارد را استعمال نکرده است. و با توجه به پابندی مترجم به استفاده حداکثری کلمات فارسی در ترجمه، قرض‌گیری اصلاحات از طرف وی در حد ضرورت بوده است.

۲.۲.۲. گرت‌برداری^۱

دومین راه‌کار مورد نظر وینه و داربلینه گرت‌برداری است. این راه‌کار به معنای قرض‌گیری از مفاهیم زبان مبدأ است، در حالی که در مؤلفه قبلی، صحبت از قرض‌گیری واژگانی از زبان مبدأ و انتقال بی‌کم و کاست آن به زبان مقصد بود. وینه و داربلینه گرت‌برداری و وام‌گیری را نوعی از هم‌ریشه‌های کاذب می‌دانند. تنها تفاوت این دو روش در انتقال ساختار زبان مبدأ است که آن تنها در روش گرت‌برداری رخ می‌دهد (وینه و داربلینه، ۱۹۹۵: ۸۵).

گرت‌برداری نوعی خاص از وام‌گیری است و به دو نوع اصلی گرت‌برداری واژگانی و گرت‌برداری نحوی تقسیم می‌شود. گرت‌برداری واژگانی معمولی‌ترین شکل آن است که برای همه آشناست و غالباً در ترجمه نام سازمان‌های بین‌المللی و مانند آن پیش می‌آید. گرت‌برداری واژگانی به صورت‌های مختلفی انجام می‌شود

^۱ Calque

از جمله آنها ترجمه لفظ به لفظ کلمه است. در این نوع از گرتة برداری برخلاف واژه‌های عاریتی دیگر عین کلمه از زبان بیگانه وارد زبان نمی‌شود، بلکه صورت ترکیبی کلمات به اجزای سازنده‌اش تجزیه شده و به جای هر کدام معادلی که از پیش در زبان وام گیرنده موجود است به جای آن گذاشته می‌شود. دومین شکل گرتة برداری واژگانی، تعبیر قرضی است. در این فرآیند واژه قرض گرفته شده ترجمه نمی‌شود، بلکه تعبیر می‌شود و توسط مترجم به کار می‌رود. سومین شکل گرتة برداری واژگانی آمیزش قرضی است. واژه قرضی با تک‌واژی قاموسی از زبان میزبان ترکیب می‌شود و واژه‌ای را می‌سازد به عبارتی نیمی از واژه تک‌واژی دخیل و نیم دیگر واژه تک‌واژی از زبان میزبان می‌باشد. چهارمین شکل، تعبیر و ترجمه قرضی است که در آن قسمتی از واژه از معادل خارجی آن در جامعه و قسمتی دیگر تعبیر می‌شود (عزیزمحمدی، ۱۳۸۲: ۷۱ - ۷۲).

در ترجمه رضایی، گرتة برداری گاهی در سطح واژگان رخ می‌دهد (واژگان متن مبدأ) و گاهی گرتة برداری از واژگان زبان مبدأ رخ می‌دهد.

۲.۲.۲.۱. گرتة برداری واژگان

گرتة برداری واژگانی زمانی رخ می‌دهد که یک ترکیب با ترجمه لفظ به لفظ به فارسی راه پیدا کند. در گرتة برداری نحوی از ساختمان یک جمله بیگانه الگوبرداری می‌شود. اشکال رایج جملاتی که متأثر از زبان مبدأ گرتة برداری معنایی شده‌اند، این است که به مرور زمان، بافت زبان را دچار دگرگونی و اشکال می‌کند. زیرا این امر بسیار پنهان رخ می‌دهد.

« وَ الْهَمْنِي عِلْمَ مَا يَجِبُ لَهُمَا عَلَىٰ إِلَهَامًا، وَ أَجْمَعُ لِي عِلْمَ ذَلِكَ كُلَّهُ تَمَامًا، ثُمَّ اسْتَعْمَلْنِي بِمَا تُلْهِمُنِي مِنْهُ، وَ وَقَفْنِي لِلنَّفُوضِ فِيمَا تُبَصِّرُنِي مِنْ عِلْمِهِ: وَ دَانَسْتَنَ أَنْ چَه در حق ایشان بر من لازم است را در دلم انداز و علم به آن وظیفه را به کمال در من فراهم ساز. آنگاه مرا به آنچه الهام کرده ای به کار گیر و به انجام آنچه فهم آن را به من داده‌ای توفیقم ده» (رضایی، ۱۳۹۴: ۱۷۱، ۲۴/۳).

در این بخش، مترجم کلمات تُلْهِمُنِي وَ وَقَفْنِي، را به اجزای سازنده‌اش ترجمه کرده و به نوعی گرتة برداری کرده است. در حالی که برای ترجمه واژه اول، در همین بخش از اصطلاح «در دل انداختن» استفاده کرده و در این جا در ترجمه عبارت مورد نظر نیز می‌توان گفت: « آنگاه آن چه در دلم انداخته ای» همچنین در ترجمه وَقَفْنِي، از واژه «توفیقم ده» بهره جسته است و در این بخش نیز به روش گرتة برداری ترجمه کرده است و به عبارت دیگر واژه بیگانه با همان معنی اصلی‌اش وارد زبان مقصد شده است.

۲.۲.۲.۲. گرتة برداری از زبان مبدأ

رضایی در ترجمه صحیفه سجادیه، گاهی از واژه ای بهره جسته است که نه از متن مبدأ، بلکه از واژه ای از زبان مبدأ گرتة برداری شده است.

«وَقَدْ اسْتَحُوذَ عَلَى عَدُوِّكَ الَّذِي اسْتَنْظَرَكَ لِعَوَابَتِي فَأَنْظَرْتَهُ، وَاسْتَمَهَّلَكَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ لِإِضْلَالِي فَأَمَهَّلْتَهُ: دشمن تو که برای بیراهه بردنم از تو مهلت خواسته و مهلتش داده‌ای و برای گمراه کردنم از تو فرصت طلبیده و فرصتش داده‌ای بر من دست یافته است» (رضایی، ۱۳۹۴: ۲۲۳، ۳۲/۱۲)

در این جا مترجم برای واژه‌ی (اسْتَنْظَرَ) معادل مهلت خواسته و برای واژه‌ی (أَنْظَرْتَهُ) معادل (مهلتش داده‌ای) و برای واژه (اسْتَمَهَّلَكَ) معادل فرصت طلبیده و برای واژه (أَمَهَّلْتَهُ) معادل (فرصتش داده‌ای) را برگزیده است. کلمه‌های مهلت و فرصت کلمه‌هایی عربی هستند مترجم در ترجمه واژه عربی متن مبدأ از واژه عربی دیگری که در زبان متن مبدأ وجود دارد و همچنین در فارسی کاربرد دارد گرتة برداری کرده است. با بررسی نمونه‌های انتخابی مشخص شد در ترجمه رضایی، گرتة برداری گاهی در سطح واژگان متن مبدأ و گاهی گرتة برداری از واژگان زبان مبدأ رخ می‌دهد.

۲.۲.۳. ترجمه لغوی یا تحت‌اللفظی^۱

دو راه کار اول وینه و داربلینه یعنی قرض گیری و گرتة برداری مربوط به واژگان و اصطلاحات می‌شد اما در ترجمه تحت‌اللفظی تمرکز بیشتر بر جملات است. از نظر وینه و داربلینه این نوع از ترجمه برترین شیوه ترجمه است و تا زمانی که نتیجه‌ای رضایت بخش به همراه داشته باشد می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد ولی زمانی که شیوه تحت‌اللفظی به پیامی بی معنا یا نامتناسب از نظر ساختاری منجر شود، پرهیز از آن ضروری است (وینه و داربلینه، ۱۹۹۵:). «در ترجمه لغوی یا تحت‌اللفظی، اجزای متن اصلی به لحاظ نحوی و معنایی عیناً در متن مقصد بازآفرینی می‌شود. در این ترجمه، کار با ترجمه واژه به واژه آغاز می‌گردد، هرچند بنا بر مقتضیات و ساخت ترکیبی زبان مقصد، نوعی تعادل صوری نیز میان اجزا دیده می‌شود» (نیازی و همکار، ۱۳۹۷: ۱۶۶).

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَخَلِّصْنِي مِنَ الْحَسَدِ، وَاحْصُرْنِي عَنِ الدُّنُوبِ، وَوَرِّعْنِي عَنِ الْمَحَارِمِ، خدایا بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا از حسد برهان و از گناهان در بند کن و از حرامها پرهیزان» (رضایی، ۱۳۹۴: ۱۵۹، ۲۲/۵).

^۱ Literall translation

در این جملات می‌بینیم که رضایی به ازای هر واژه از متن مبدأ، واژه‌ای در ترجمه آورده و اجزای متن اصلی از نظر نحوی و معنایی عیناً در متن مقصد باز آفرینی شده است و همانطور که مشاهده می‌شود ترجمه رضایی، ترجمه واژه به واژه است. رضایی به دلیل ایجاد یک متن مشابه متن اصلی به بازگردانی دستوری متن مقصد می‌پردازد و زمانی که تبعیت کلمه به کلمه به رسایی جملات آسیب وارد کند او تغییراتی جزئی را در کلام می‌آورد.

۲.۲.۴. جابه‌جایی^۱

جابه‌جایی یا انتقال به معنای تغییر صورت و شامل حرکت از یک طبقه دستوری و گرامری به طبقه دیگر یعنی تغییر در ساختارهای زبانی کلام و اجزای سخن است؛ تغییری که منجر به تغییر در ماهیت معنا نمی‌شود، بلکه سطح ساختار، شکل یا صورت دگرگون می‌شود. وینه و داربلینه این راه‌کار را «متداول ترین تغییر ساختی انجام گرفته توسط مترجمان در نظر می‌گیرند» (وینه و داربلینه، ۱۹۹۵:). در فرایند ترجمه، انتقال معنا از زبانی به زبان دیگر عموماً با ایجاد تغییراتی در صورت پیام یا به عبارتی دقیق‌تر در صورت‌های دستوری پیام ممکن می‌شود.

جابه‌جایی یا تغییر صورت، با تغییر هویت دستوری همراه است، تغییر هویت ممکن است اختیاری یا اجباری باشد. در تغییر هویت اختیاری، انتخاب‌های متعددی داریم که نهایتاً یکی را انتخاب می‌کنیم، ولی در تغییر هویت اجباری مجبور به تغییر هویت هستیم (صنعتی فر وهمکار، ۱۳۹۹: ۴۲).

این روش پربسامدترین راه‌کار در هر ترجمه دقیقی است زیرا با استفاده از این روش مفهوم متن مبدأ به روشنی به مخاطب رسانده می‌شود از این جهت رضایی نیز از مقوله جابه‌جایی به درستی استفاده نموده است: «فَادَا صَافَ عَدُوَّكَ وَ عَدُوَّهُ فَقُلُّهُمْ فِي عَيْنِهِ، وَ صَغَّرَ شَانَهُمْ فِي قَلْبِهِ، وَ اَدِلَّ لَهُ مِنْهُمْ، وَ لَا تُدْلِهِمْ مِنْهُ، فَاِنْ خَتَمْتَ لَهُ بِالسَّعَادَةِ، وَ قَضَيْتَ لَهُ بِالشَّهَادَةِ فَبَعْدَ اَنْ يَجْتَاحَ عَدُوَّكَ بِالْقَتْلِ، وَ بَعْدَ اَنْ يَجْهَدَ بِهِمُ الْاَسْرَ، وَ بَعْدَ اَنْ تَأْمَنَ اَطْرَافَ الْمُسْلِمِينَ، وَ بَعْدَ اَنْ يُوَلِّيَ عَدُوَّكَ مُدْبِرِينَ: هرگاه با دشمن تو و دشمن خود رود رو شود، آنان را در چشمش بکاه و شکوه شان را در دلش خرد و ناچیز بدار. او را بر آنان چیرگی بخش و آنان را بر او چیره مگردان. اگر خواهی زندگی‌اش را به نیک بختی پایان دهی و شهادت را برایش مقدر کرده‌ای. این پس از آن باشد که دشمنان را به کشتن نابود ساخته و (انان) به اسارت سخت در آمده‌اند و مرزهای مسلمانان آرامش یافته است و دشمنان پشت کرده و گریخته اند» (رضایی، ۱۳۹۴: ۱۵، ۱۹۵، ۲۷).

¹Transposition

۲.۲.۵. تلفیق^۱

پنجمین مؤلفه نظریه وینه و داربلینه، تلفیق یا تعدیل یا تغییر بیان است که دومین نوع از ترجمه غیرمستقیم به شمار می‌آید. تلفیق به معنی استفاده از عبارتی است که با زبان‌های مبدأ و مقصد تفاوت دارد اما ایده مشابهی را می‌رساند. در واقع معنی متن و دیدگاه زبان منبع تغییر می‌یابد. تلفیق به مترجم کمک می‌کند معنی و دیدگاه نویسنده متن منبع را تغییر داده و به زبانی گویاتر بیان کند به شرط آن که ایده اصلی انتقال یابد. از نظر وینه و داربلینه تغییر بیان یا تلفیق نوعی روش ترجمه مشتمل بر تغییر دیدگاه و یا تجدید خاطره مقاله است و غالباً از مقوله اندیشه است (وینه و داربلینه، ۱۹۹۵: ۳۴۶). منظور از تلفیق، تعدیل، تغییر یا دستکاری در صورت زبان مبدأ به هنگام قالب‌ریزی آن در زبان مقصد و با هدف انتقال بهتر پیام به مخاطب است (صحرايي نژاد، ۱۳۸۹: ۱۰).

نمونه‌ای از این راه‌کار در ترجمه رضایی را در ادامه بررسی خواهیم کرد:

– «اللَّهُمَّ وَ مَا تَعَدَّيَا عَلَيَّ فِيهِ مِنْ قَوْلٍ، أَوْ أَسْرَفًا عَلَيَّ فِيهِ مِنْ فِعْلٍ، أَوْ ضَيَعًا لِي مِنْ حَقٍّ، أَوْ قَصْرًا بِي عَنْهُ مِنْ وَاجِبٍ فَقَدْ وَهَبْتَهُ لِهَمَّا، وَجَدْتُ بِهِ عَلَيْهِمَا وَرَغِبْتُ إِلَيْكَ فِي وَضْعِ تَبِعْتَهُ عَنْهُمَا: خداوندا هر گاه با من به تندی سخن گفته، یا رفتار نابه‌جایی داشته، یا حقی از من تباہ نموده، یا در وظیفه‌ای نسبت به من کوتاهی ورزیده‌اند، این همه را برایشان بخشیدم و بدین‌سان بزرگشان داشتم. از تو می‌خواهم پیامدهای سخت کارشان را برداری» (رضایی، ۱۳۹۴: ۱۷۳، ۲۴/۹).

اگر این نمونه را به صورت تحت‌اللفظی ترجمه کنیم: (اللَّهُمَّ وَ مَا تَعَدَّيَا عَلَيَّ فِيهِ مِنْ قَوْلٍ: خداوندا، آن‌چه تجاوز کردند بر من درو از سختی) این ترجمه برای مخاطب فارسی زبان گویا نیست مترجم آن‌را به این صورت ترجمه کرده: خداوندا هر گاه با من به تندی سخن گفته و همچنین ترجمه این عبارت (أَوْ أَسْرَفًا عَلَيَّ فِيهِ مِنْ فِعْلٍ) که به صورت تحت‌اللفظی این‌گونه نامأنوس می‌شود: و یا اسراف کردند در او از کاری؛ رضایی این چنین ترجمه کرده: یا رفتار نابه‌جایی داشته و همچنین ترجمه تحت‌اللفظی عبارت (أَوْ ضَيَعًا لِي مِنْ حَقٍّ) به این شکل است یا ضایع کردند برای من در او از حقی، که رضایی این عبارت را این‌گونه ترجمه کرده است: یا حقی از من تباہ نموده. همان‌طوری که ملاحظه می‌شود ترجمه تحت‌اللفظی این عبارات برای مخاطب فارسی زبان، گویا نیست بنابراین رضایی در ترجمه، جمله را تغییر داده تا همان معنا و دیدگاه مورد نظر نویسنده را بهتر و رساتر به خواننده منتقل کند.

¹ Modulation

۲.۲.۲.۶. معادل‌یابی^۱

از دیگر مؤلفه‌های نظریه وینه و داربلینه معادل‌یابی یا تعادل است. برای اشاره به مواردی استفاده می‌کنند که زبان‌ها با ابزار ساختاری یا نحوی مختلف، موقعیتی یکسان و مشابه را توصیف می‌نمایند. تعادل خصوصاً در ترجمه اصطلاحات و ضرب‌المثل‌ها مفید است. «در این روش به جای ترجمه جمله یا عبارت، معادل آن در زبان مقصد بیان می‌شود چرا که برخی از عبارتها با استفاده از روش تحت‌اللفظی یا گرت‌برداری قابل ترجمه نیست؛ لذا باید معادل آن را در زبان دیگر جستجو کرد» (وینه و داربلینه، ۱۹۹۵: ۳۸). هر ترجمه آمیزه‌ای است از معادل‌های پویا یا قالب‌ناپذیر و معادل‌هایی که قالب‌پذیر هستند. معادل‌های قالب‌پذیر معادل‌هایی هستند که اصولاً دارای ویژگی ثابت و همیشگی می‌باشند و می‌توان مستقل از شرایط همین معادل‌ها را انتخاب کرد و در شرایط مختلف قابل استفاده هستند (کردوانی، ۱۳۶۷: ۵۷). «وینه و داربلینه معادل‌یابی را خلق مجدد متن با استفاده از کلمات متفاوت در شرایطی مشابه تعریف می‌کند همچنین معتقدند به کارگیری این روند طی فرآیند ترجمه می‌تواند تأثیر سبک متن مبدأ را در متن زبان مقصد حفظ نماید بنابراین وقتی مترجم مجبور است با ضرب‌المثل‌ها، اصطلاحات کلیشه‌ها، عبارات اسمی یا وصفی سر و کار داشته باشد این بهترین روش است» (ولی‌پور، ۱۳۸۲: ۶۴).

«وقتی مترجم با یک کلمه یا یک ساختار دستوری در متن مبدأ برخورد می‌کند، اگر حدود معنای کلمه را بداند، بی‌درنگ معادلی به ذهنش می‌رسد که معمولاً اولین معنای آن کلمه است، ولی اگر اندکی دقت و تأمل به خرج دهد و گنجینه ذهن خود را بکاود، به معادل‌های دیگری برخورد می‌کند که هرچند اندکی از معنای اولیه کلمه دور می‌شوند، اما زیبا و در عین حال، طبیعی هستند و به شیوایی و استواری نثر ترجمه کمک می‌کنند» (ناظمیان، ۱۳۹۲: ۸۵-۱۰۲). در بیشتر زبان‌ها هر واژه یک معنای نخست و اصلی و چندین معنای درجه دوم و فرعی دارد که آشنایی با معانی اصلی و فرعی واژه‌ها برای یک مترجم به خصوص مترجم دینی بسیار مهم به نظر می‌رسد. ضروری است که از این منظر ترجمه رضایی مورد بررسی قرار گیرد.

۲.۲.۲.۶.۱. یک معادل (یک واژه فارسی)

«سُبْحَانَكَ مَا أَعْظَمَ شَأْنُكَ، وَ أَفْهَرَّ سُلْطَانُكَ، وَ أَشَدَّ قُوَّتُكَ، وَ أَنْفَذَ أَمْرَكَ: پاک و منزّهت می‌دانم. چه برین است مقامت، و چه نفوذناپذیر است قدرتت و چه سهمگین است نیرویت و چه نافذ است فرمانت» (رضایی، ۱۳۹۴: ۴۱۱، ۵۲/۴).

^۱ Equivalence

مترجم برای واژه (ما أعظم) که فعل تعجب است (چه برین) و برای کلمه (أقهر و أشد و أنفذ) نیز که معطوف و فعل تعجب هستند؛ به ترتیب (چه نفوذناپذیر و چه سهمگین است و چه نافذ است) را به کار برده است. سبک رضایی چون سبکی ادبی است معادل برین را به جای بزرگ برگزیده است. از آنجایی که تقریباً وزن و آهنگ واژه سهمگین با وزن و آهنگ واژه برین یکی است رضایی به دلیل حفظ سجع متن مبدأ، واژه سهمگین را برای (أشد) در نظر گرفته تا متن مقصد نیز آهنگین و دلنشین باشد.

۲.۲.۲.۶.۲. معادل‌یابی (دو واژه فارسی)

رضایی گاهی اوقات در ترجمه خود در ازای یک واژه از متن مبدأ دو واژه در ترجمه آورده که گاهی این دو واژه هر دو کاملاً فارسی هستند مانند نمونه زیر:

«حَمْدًا يَتَضَاعَفُ عَلَى كُرُورِ الْأَزْمِنَةِ، وَيَتَزَايِدُ أضعافاً مُتَرادِفَةً: ستایشی که در گردش روزگاران، فزونی یابد و پیوسته و پی‌درپی دوچندان بیفزاید» (رضایی، ۱۳۹۴: ۳۳۷، ۴۷/۳۹).

در این مثال کلمه مترادفات در متن مبدأ آمده است و رضایی در ترجمه آن کلمه پیوسته و پی‌درپی را برگزیده است. به نوعی هر دوی این کلمات هم معنی هستند مترجم می‌توانست فقط از یکی از این کلمات هم استفاده کند ولی او با استفاده از این روش تصویر واضح‌تری در ذهن خواننده ایجاد کرده است.

۲.۲.۲.۶.۳. معادل‌یابی همراه با قرض‌گیری

رضایی گاهی در ازای یک کلمه از دو واژه بهره جسته است. یکی از این دو، واژه‌ای عربی است که از متن مبدأ گرفته؛ به عبارت دیگر قرض‌گیری کرده است و دیگری واژه‌ای فارسی است. مترجم می‌داند که واژه‌ای که قرض‌گیری کرده، مرسوم و متداول است اما به قرض‌گیری صرف اکتفا نکرده و ترجمه فارسی را به آن افزوده است:

«فَتَبَارَكْتَ أَنْ تُوصَفَ إِلَّا بِالْإِحْسَانِ: والاتر از آنی که جز به نیکی و احسان توصیف شوی» (رضایی، ۱۳۹۴: ۲۵۱، ۳۷/۱۶).

مترجم برای کلمه احسان دو معادل احسان و نیکی را استفاده کرده است واژه احسان در فارسی امروز کاربرد فراوانی دارد به همین جهت مترجم از این معادل استفاده کرده و در کنار آن کلمه نیکی را آورده است که واژه‌ای است فارسی تا بتواند معنای واژه احسان را واضح‌تر به مخاطب برساند.

۲.۲.۲.۶.۴. معادل‌یابی همراه با گرته‌برداری

در ترجمه رضایی گاهی معادل‌یابی همراه با گرته‌برداری صورت گرفته است. در اینجا مترجم هم کلمه عربی را در ترجمه گنجانده و هم معادل فارسی آن را ذکر کرده است؛ مانند این نمونه:

– «بِجَلَالِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ، الَّذِي لَا يَبْلَىٰ وَلَا يَتَّعِيرُ، وَلَا يَحُولُ وَلَا يَفْتَنِي»؛ نو به بزرگی ذات بزرگوارت که نمی‌فرساید و دگرگون نمی‌شود و تغییر نمی‌یابد و تحول نمی‌پذیرد و از بین نمی‌رود» (رضایی، ۱۳۹۴: ۴۱۵، ۵۲/۱۰).

مترجم می‌توانست برای عبارت (لا یتغیر) معادل (دگرگون نمی‌شود و تحول نمی‌پذیرد) را استفاده کند. او می‌توانست در این جمله از معادل تغییر نمی‌یابد استفاده نکند، زیرا معادل فارسی دگرگون نمی‌شود به اندازه کافی مفهوم واژه (لا یتغیر) را می‌رساند. در این جمله تعداد فعل‌های مضارع منفی ۴ فعل است و دلیلی ندارد که مترجم در ترجمه‌اش از یک فعل دیگر هم استفاده نماید. البته در ترجمه (لا یتغیر)؛ رضایی می‌توانست از واژه (عوض نمی‌شود) کمک بگیرد؛ واژه (عوض) کلمه‌ای است که از عربی گرفته‌برداری شده است. همچنین او می‌توانست از معادل (شکل دیگری به خود نمی‌گیرد) نیز بهره‌گیری که در این صورت جمله طولانی می‌شده است. به نظر می‌رسد معادل فارسی دگرگون نشدن معنا و مفهوم اصلی را می‌رساند.

۲.۲.۲.۷. اقتباس

این راه‌کار برای واژگان و تعابیری که ویژه فرهنگ زبان مبدأ است به کار گرفته می‌شود و مترجم آن را با ویژگی زبان مقصد همانندسازی نموده و به زبان مقصد انتقال می‌دهد. متون دینی با توجه به حساسیتی که دارند مترجم را وادار می‌سازند که تا حد زیادی امانت‌دار باشد و از روش اقتباس به صورت حداقلی استفاده کنند. اما رضایی در ترجمه خود در موارد متعددی روش اقتباسی را پیش گرفته و جملات را مناسب با متن مقصد بیان می‌کند. مانند این نمونه:

– «حَمْدًا تَقَرُّ بِهِ عُيُونُنَا إِذَا بَرَقَتِ الْأَبْصَارُ...»: ستایشی که چون دیده‌ها، (از بیم قیامت) خیره و حیرت زده شود چشمان ما بدان روشنی گیرد» (رضایی، ۱۳۹۴: ۳۳، ۱/۱۴).

«قَرَّة» در لغت به معنای سرد، خنک، سکون، ثبوت (فراهیدی، ۱۴۰۹: قَرَّة)، و «عَین» به معنای چشم، نفس، قلب و... است (ازهری، ۱۴۲۱: عَین). ابن اثیر «قَرَّة العین» را از لحاظ لغوی به معنای خنکی چشم گرفته و آن را کنایه از شادی و سرور می‌داند و می‌گوید: «اشک حاصل از شادی و فرح، سرد است؛ به خلاف اشک حاصل از حزن و اندوه، که گرم است؛ به همین سبب آنچه را که موجب شادی و سرور است، «قَرَّة العین» می‌گویند» (ابن اثیر، ۱۴۲۱: ۳۸: ۴).

ملاحظه می‌شود که رضایی با توجه به دیدگاه ابن اثیر به معادل کنایی عبارت اشاره کرده؛ زیرا در زبان فارسی تعبیر «چشم روشن شدن، کنایه از شاد شدن» است (انوری، ۱۳۸۳: ۱/ ۴۱۵)، و برای خواننده کاملاً قابل فهم است. اگرچه رضایی براساس تعبیر کنایی نخستین، معادل مناسبی را برای عبارت انتخاب نموده،

اما به نظر می‌رسد با توجه به سیاق دعا، بیانی را که حکیم سبزواری ارائه نموده، مفهوم کنایی از نگاه ایشان (اطمینان قلب یا ایمان) به واقع نزدیک‌تر است و بر این مبنای مترجم در تشخیص معنای کنایی دچار اشتباه شده است. به نظر می‌رسد، بهتر بود چنین ترجمه شود: (سپاسی که به وسیله آن به اطمینان قلبی برسیم). زمانی که متن مبدأ، متنی دینی است به دلیل لایه‌های فرهنگی متن با کم‌ترین اقتباس مواجه هستیم ترجمه رضایی از صحیفه سجادیه جدیدترین ترجمه فارسی صحیفه سجادیه بوده و مترجم به دلیل لحاظ کردن بافت فرهنگی و جامعه امروزی ایران و برای تاثیر بیشتر به اقتباس‌هایی متناسب با متن اقدام نموده است.

نتیجه بحث

- رضایی در معادل‌یابی‌ها کمترین بهره را از روش قرض‌گیری برده که به نوعی آسان‌ترین روش برای معادل‌یابی است. او تلاش نموده است در معادل‌یابی‌ها و برابرگزینی‌ها بیشتر از کلمه‌های فارسی استفاده کند و قرض‌گیری را به حداقل برساند.

- در ترجمه مذکور گرت‌برداری گاهی در سطح واژگان متن مبدأ و گاهی گرت‌برداری از واژگان زبان مبدأ رخ می‌دهد. ترجمه رضایی به دلیل ایجاد یک متن مشابه متن اصلی به بازگردانی دستوری متن مقصد می‌پردازد و زمانی که تبعیت کلمه به کلمه به رسایی جملات آسیب وارد کند او تغییراتی جزئی را در کلام می‌آورد.

- رضایی در ترجمه خود به جای قرض‌گیری و گرت‌برداری از معادل‌یابی استفاده می‌کند و در این میان گاهی از یک معادل فارسی و گاهی از دو معادل فارسی و بعضی اوقات همراه با قرض‌گیری و گرت‌برداری به شکل‌های مختلف بهره می‌گیرد.

- در ترجمه رضایی پایبندی به مضمون و قالب‌های معنایی زبان مبدأ و تلاش برای حفظ ساختار متن صحیفه سجادیه دیده می‌شود که از میان سه تکنیک ترجمه مستقیم؛ از روش قرض‌گیری و گرت‌برداری به یک میزان استفاده کرده ولی از روش تحت اللفظی بهره‌ی بیشتری جسته است. از میان چهار راهبرد ترجمه غیر مستقیم؛ رضایی با آزادی نسبی به گزینش معادل‌ها اقدام کرده و به ترتیب از راه‌کار معادل‌یابی و اقتباس و جابه‌جایی و تلفیق بهره‌برده است. بیشترین استفاده او از روش‌های ترجمه غیرمستقیم؛ معادل‌یابی و اقتباس است و مؤلفه‌ی تلفیق، کمتر در ترجمه او دیده می‌شود؛ بدین ترتیب او ترجمه ادبی و روان را ارائه داده است و هدف او تبدیل متن مبدأ به متنی در زبان مقصد است که برای فرهنگ زبان مقصد مناسب‌تر باشد حاصل این راه‌کار متنی است که واژه‌ها، عبارات، جملات و مفهوم آن برای مخاطب آشنا‌تر است. نقطه قوت رضایی استفاده از معادل‌های ادبی و رعایت سجع و ارائه متنی آهنگین در عبارتهاست.

کتابنامه

- ابن اثیر، مبارک بن محمد، (۱۴۲۱)، **النهایه**، ریاض: دار ابن الجوزی.
- ازهری، محمد بن محمد (۱۴۲۱ق)، **تهذیب اللغه**، چاپ اول، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- انوری، حسن، (۱۳۸۳ش)، **فرهنگ کنایات سخن**، تهران: سخن.
- بخشش تینیانی، مقصود، (۱۳۹۸)، **نقد و بررسی ترجمه گرمارودی از نهج البلاغه بر پایه نظریه وینه و داربلینه**، احسان اسماعیلی طاهری و سیدرضا میراحمدی، رساله دوره دکتری، رشته زبان و ادبیات عربی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه سمنان.
- بیکر، مونا و سالدنیا، گابریلا (۱۳۹۶)، **دایره المعارف مطالعات ترجمه**، حمیدکاشانیان، چاپ اول، تهران: نشر نو.
- جوان آراسته، حسین، (۱۳۸۰)، **درسنامه علوم قرآنی سطح ۲**، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- حق شناس، علی محمد، (۱۳۶۵)، **وام گیری و پیامدهای صرفی و واژگانی آن، زبان فارسی زبان علم مجموعه سخنرانی‌های دومین سمینار نگارش فارسی**، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- خراسانی سبزواری، محمدابراهیم بن محمد علی، (۱۳۹۱ش)، **شرح غوامض دعاهای صحیفه سجادیه**، سیدحسن مدرسی، چاپ اول، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- خزاعی فر، علی، (۱۳۸۸)، **ترجمه متون ادبی**، تهران: انتشارات سمت.
- ذاتعلیان، غلامرضا، **درباره روش ترجمه**، مجله جستارهای ادبی، دانشگاه تربیت مدرس، (۱۳۶۶)، شماره ۷۸، ص ۸۹۲-۸۶۱.
- زنده بودی، مهران، (۱۳۹۱)، **سبک‌شناسی تطبیقی در ترجمه فرانسه و فارسی**، مطالعات ترجمه، دوره ۱۰ شماره ۳۷، ص ۴۱-۵۶.
- صحرايي نژاد، فهيمه، **نگاهی دوباره به تعديل در ترجمه**، مطالعات ترجمه، (۱۳۸۹)، دوره ۸، شماره ۳۱، ص ۲۴-۵.
- صحیفه سجادیه، (۱۳۹۴). ترجمه محمد مهدی رضایی، قم: نشر جمال.
- صنعتی فر، محمد صالح و نی نوا، سید شجاع، (۱۳۹۹)، **مقدمه‌ای بر مبانی نظری ترجمه**، چاپ اول، تهران: نشر علمی.

- عزيزمحمدى، فاطمه، **بررسى برخى فرآيندهاى رايج قرض گيرى در زبان فارسى**، پژوهشنامه پردازش و مديریت اطلاعات، (۱۳۸۲)، جلد ۱۸، شماره ۳ و ۴، ص ۷۴-۷۱.
- فراهيدى، خليل بن احمد، (۱۴۰۹)، **العین**، قم: نشر هجرت، چاپ دوم.
- فهري، سيد ابوالحسن، (۱۳۹۳)، **فرهنگ المحيط**، تهران: دانش پژوه.
- **قرآن کریم**.
- ماندی، جرمى، (۱۳۸۹)، **درآمدی بر مطالعات ترجمه، نظريه‌ها و کاربردها**، مترجم: الهه ستوده نما و فريده حق بين، چاپ اول، تهران: نشر علم.
- ماندی، جرمى، (۱۳۹۴)، **معرفی مطالعات ترجمه**، ترجمه على بهرامى و زينب تاجيك، چاپ سوم، تهران: نشر رهنما.
- مدرسى، يحيى، (۱۳۶۸)، **جامعه شناسى زبان**، تهران: موسسه مطالعات و تحقيقات فرهنگى
صص ۶۴-۶۵.
- معصوم، سيدمحمد و امينى، حيدرعلى و نعمتى، مسيح الله، **طبقه بندى تغييرات ساخت واژى در فرايند وام گيرى واژه‌ها از زبان تركى به فارسى**، فصلنامه مطالعات زبان و گویش‌هاى غرب ايران، (۱۳۹۳)، سال اول، شماره ۴، ص ۷۲-۵۳.
- ناظميان، رضا، (۱۳۸۱)، **روش هاى در ترجمه از عربى به فارسى**، تهران: سمت.
- نورسيده، على اكبر و سلمانى حقيقى، مسعود، **نقد ترجمه عربى عادل عبدالمنعم سويلم از رمان «مدير مدرسه» در پرتو نظريه وينه و داربيلينه**، فصلنامه پژوهش‌هاى ترجمه در زبان و ادبيات عربى، دانشگاه علامه طباطبايى، (۱۴۰۰)، دوره ۱۱، ش ۲۴، صفحه ۲۷۲-۲۹۸.
- نيازى، شهريار و قاسمى اصل، زينب، (۱۳۹۷)، **الگوهاى ارزيايى ترجمه با تكيه بر زبان عربى**، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ولى پور، واله، **بررسى نظريات معادل يابى در ترجمه**، مجله متن پژوهى ادبى، (۱۳۸۲)، دوره ۷ شماره ۱۸، ص ۷۳-۶۲.

دراسة ترجمة رضائي من الصحيفة السجادية وفقا لنظرية فينه و داريلينه

الملخص

مكانة الصحيفة السجادية هي التي شجعت كثير من المترجمين للقيام بترجمته؛ وعلى هذا قام ما يناهز عن ستين مترجما و شارحا بهذا الأمر. منهم محمد مهدي رضائي والذي تعتبر ترجمته من أحدث التراجم التي لم يتم أحد بدراستها. هذا الأمر دفعنا للقيام بدراسة هذه الترجمة وفقا لنظرية فينه وداريلنه باستخدام المنهج الوصفي التحليلي. تتزود هذه النظرية بسبعة محاور ممكن توظيفها لدراسة الترجمة عبر المنهج المباشر وغير المباشر. وصل البحث إلى أنّ المترجم أراد أن يقدم ترجمة أدبية باستخدام التعابير والمصطلحات الفارسية ومن جانب آخر كان يرغب عما يقترب إلى المعادلات الثقافية أكثر من الأخرى. قلما يستخدم المترجم الافتراض والتحصيل والتوحيد والتحويل وأكثر استخدام التكافؤ والتكثيف. ممكن القول أن لحن الجمل واستخدام المترادفات الفارسية والعبارات التي تناسب الثقافة الفارسية هو أهم ميزات ترجمة رضائي.

الكلمات المفتاحية: الصحيفة السجادة، نقد الترجمة، فينه وداريلنه، التكافؤ.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی